

جایگاه اندیشه مهدویت و آخرالزمان در ایجاد تداوم جریان مقاومت و استکبارستیزی

خدیجه راز قلعه نو^۱

چکیده

مقاومت و استکبارستیزی در برابر دشمنان اسلام در دوره انتظار یکی از برنامه‌های اساسی اسلامی است که از آیات قرآن استفاده می‌شود. اساسی‌ترین آموزه‌ی ادیان الهی، به‌ویژه مکتب اسلام، مبارزه با ظلم و دفاع در برابر زیاده‌خواهی دشمنان بشر است و این نه تنها دستور الهی، بلکه منطبق بر عقل و فطرت انسانی است، چون هر موجودی در برابر دشمنان از خود دفاع می‌کند. آموزه مهدویت با ماهیتی پیش رو و فعال، همواره بر تحولات سیاسی و اجتماعی تأثیر گذار بوده است. این آموزه بر اثر اختلاط با گفتمان‌های سیاسی، جلوه‌هایی از ظلم‌ستیزی و استکبارستیزی از خود نشان می‌دهد که با ماهیت استعماری کشورهای غربی ناسازگار است. بنابراین هدف از انجام این تحقیق، بررسی جایگاه اندیشه مهدویت و آخرالزمان در ایجاد تداوم جریان مقاومت و استکبارستیزی با استفاده از روش توصیفی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای بوده است. نتایج یافته‌های تحقیق نشان داد، مهدویت می‌تواند با تقویت عناصر مقاومت و استکبارستیزی، یعنی ایمان، امید، صبر و نزول امدادهای غیبی توان ملت انقلابی و امام زمانی را تا رسیدن به آرمان‌های بلند آن که همانا تمدن جدید اسلامی و ظهور ولایت عظمای امام عصر است به صورت مستمر افزایش دهد.

واژگان کلیدی: مهدویت، جریان مقاومت، استکبارستیزی.

^۱. حوزه علمیه زینبیه (سلام الله علیها)، شهرستان: زهک. شماره تماس طلبه: ۰۹۳۰۴۹۴۲۱۱۹.

آموزه مهدویت از کانونی ترین گزاره های اعتقادی شیعه است. که نصوص و متون دینی ما هم بر این امر صحّه می گذارد. تشیع در همیشه تاریخ پر فراز و نشیب خود منتظر بوده تا امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظهور کرده و دولت کریمه اش را به پا دارد لذا اعتقاد به آموزه مهدویت، استراتژی شیعه در طول تاریخ بوده است. انقلاب اسلامی ایران نیز با ماهیتی دینی - اسلامی، خود حرکتی در این بستر می باشد.

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تلفیق اسلام سیاسی با آموزه مهدویت، نگرانی غربی ها، رفته رفته شکل ایدئولوژیک به خود گرفت تغییر رویه اسلام از شکل فردی به قالب های سیاسی و اجتماعی مبتنی بر گزاره های دینی، چالشی بود که نه تنها ایران، بلکه با هم پوشانی و سازمان دهی گروه های انقلابی برآمده از جمهوری اسلامی در پوشش فرهنگ مقاومت، برای ثبات نظم منطقه ای تحت حاکمیت غرب ایجاد گردید. نقش هویتی آموزه مهدویت و فرهنگ انتظار بر شکل گیری انقلاب اسلامی در رادیکالیزه شدن گروه های مقاومت اسلامی در جهان اسلام، حتی در جوامع غیر شیعی انکارناپذیر است. ایران به عنوان سمبل اسلام سیاسی، با استفاده از پتانسیل بالای معنوی آموزه مهدویت و کاربست ادبیات آخرالزمانی در تکوین انقلاب اسلامی، در جبهه تمدنی مخالف غرب و آمریکا قرار گرفت. اگر چه این آموزه توانمند، قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران نیز مورد توجه سیاست مداران و متفکرین غربی بوده است؛ پس از انقلاب شکوهمند ایران، این آموزه به عنوان گزاره ای انرژی زا و الیهات امید بخش تشیع، مورد اقبال بیش تری واقع شد و در سیل تهاجمات ایدئولوژیک غرب قرار گرفت. جهان غرب در طول قرون متمادی، به اشکال مختلفی به دشمنی و خصومت با تمدن اسلام و آموزه مهدویت پرداخته است. این کینه ورزی ها گاه در عرصه رسانه ها و تهاجمات تصویری؛ گاه در لایه های متون و نوشته ها، دایره المعارف ها و سفرنامه های مستشرقین و گاهی نیز با ایجاد انحراف از اسلام اصیل و تحریف آموزه مهدویت، سعی در حیل گری و ضربه زدن به آن را داشته است. به طور مشخص این منازعات و دشمنی ها، پیش از این که به عدم توافقات در افق های سیاسی دو تمدن و ناسازگاری در عرف دیپلماتیک مرتبط باشد، از ریشه های فکری، معرفتی و تمدنی دو فرهنگ منبعت می گردد که این ناسازگاری تمدنی، در شکل بندی سیاسی، خود را در قالب استراتژی ها و توطئه های تمدن تفوق طلب غرب، علیه واحدهای هویتی و هنجاری اسلام نشان می دهد. دشمن شناسی و آشنایی با اهداف، روش ها و شگردهای غرب در قبال اسلام و مبانی تئوریک نظام اسلامی و اتخاذ موضع منطقی در قبال آن و خنثی سازی توطئه ها، ضرورت پردازش به این موضوع را دو چندان می کند.

۱. مفاهیم

الف: مقاومت

واژه «مقاومت» از ریشه (ق.و.م) به معنای نیرو استواری^۱، ایستادن و استقامت^۲، الزام و ثبات^۳، اعتدال و استوا و استواری آمده است.^۴

واژه مقاومت در قرآن نیامده است، ولی مشتقات آن مانند «استقاموا» که به معنای مداومت بر ایستادگی، پایداری، التزام به پیمودن مسیر حق بدون انحراف و بازگشت است در قرآن به کار رفته است.^۵ برخی لغت‌شناسان می‌گویند: «استقامت درباره راهی گفته می‌شود که بر روی خط هموار می‌باشد و راه حق به آن تشبیه شده است و استقامت انسان، یعنی متعهد بودن او در راه مستقیم». ^۶ برخی دیگر گفته‌اند: «استقامت، دلالت می‌کند بر طلب قیام در هر امری، خواه ارادی، خواه طبیعی و خواه عملی باشد که دوام و استمرار از لوازم حقیقی آن است.» از معانی گوناگون مقاومت چنین استفاده می‌شود که مقاومت منحصر به رویارویی در میدان جنگ نیست و هرگونه پایداری در برابر عوامل بر هم زننده تعادل و توازن و پایداری در برابر هرگونه عامل بیرونی و درونی را نیز مقاومت می‌گویند.^۷

ب: مهدویت

«مَهْدَوِیت» واژه‌ای عربی و از ریشه «مهدی» است که از اضافه شدن «ت» به «مَهْدَوِی» ساخته شده. مهدوی به معنای مربوط بودن به مهدی است، مانند واژه غُلوی و حَسَنی. «ت» در واژه «مهدویت»، تای تأیید است و به واسطه حذف شدنِ موصوف آمده است؛ یعنی در اصل «طَرِيقَةُ مَهْدَوِیَّة» یا مانند آن بوده است. در صدر اسلام واژه «مهدی» هم برای شخص هدایت‌شده، و هم برای تجلیل از برخی افراد به کار می‌رفت؛ برای نمونه این عبارت در مورد پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)، خلفای راشدین و امام حسین (علیه السلام) به کار رفته است. بنا بر گفته راجکوسکی، اولین کسی که مهدی را به معنای منجی به کار برد ابو اسحاق کعب بن ماته بن حیسوء حمیری (متوفی ۳۴۴ ق) بود.^۸

۱. طریحی، مجمع البحرین ، ج ۶: ص ۱۴۸

۲. ابن منظور، لسان العرب ، ج ۱۲: ص ۴۹۹

۳. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن: ص ۶۹۳

۴. بستانی، فرهنگ ابجدی ، ص ۶۳

۵. فیومی، المصباح المنیر فی غریب شرح الکبیر ، ج ۲: ص ۵۲۱

۶. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن: ص ۶۹۲

۷. مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم ، ج ۹: صص ۳۴۲-۳۴۳

۸. حسین، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۳۶

مختار ثقفی با اعتقاد به اینکه محمد بن حنفیه نجات‌بخش است، او را مهدی نامید. همچنین زیدیه واژه مهدی را در همین مفهوم برای رهبران خود به کار می‌بردند. گروهی از شیعه نیز عنوان مهدی را، پس از رحلت برخی امامان، برای آنان به کار برده‌اند؛ مانند ناووسیه برای امام صادق (علیه السلام)، واقفه برای امام کاظم (علیه السلام) و برخی برای امام حسن عسکری (علیه السلام).^۱

این واژه در بین شیعیان دوازده امامی به حجت بن الحسن، فرزند امام حسن عسکری (علیه السلام)، اختصاص دارد. به اعتقاد آنان حجت بن الحسن شخصی است که پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) وعده آمدنش را داده و در پایان تاریخ نجات‌بخش بشریت خواهد بود. استفاده از واژه مهدی به معنای منجی و نجات‌بخش عمدتاً بر اساس احادیث نبوی است. «الْمَهْدِي مِنْ وَلَدِي، وَجْهُهُ كَالْكُوكَبِ الدَّرِّي، وَاللَّوْنُ لَوْنُ عَرَبِي، وَالْجِسْمُ جِسْمُ إِسْرَائِيلِي، يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا، يَرْضَى بِخِلَافَتِهِ أَهْلُ السَّمَاءِ وَالطَّيْرِ فِي الْجَوْ: مهدی مردی از اولاد من است رنگ بدن او رنگ نژاد عرب و اندامش مانند اندام بنی اسرائیل است، در گونه راست وی خالی است که چون ستاره تابناکی بدرخشد زمین را پر از عدل کند چنان که پر از ظلم شده باشد، ساکنان زمین و آسمان و پرندگان هوا در خلافت وی خشنود خواهند بود».^۲

پ: استکبارستیزی

یکی از آرمان‌های والا و شعارهای اصلی انقلاب، استکبارستیزی است.^۳ معنای استکبارستیزی دشمنی کردن با دولت‌های دنیا نیست، معنایش دشمنی کردن با استکبار است. استکبار از هر دولتی و از هر نظامی سر بزند، آفت برای بشریت است. البته امروز آمریکا و صهیونیسم مظهر استکبار هستند. مقام معظم رهبری معتقدند استکبارستیزی ایدئولوژی و زیر بنای اصلی این انقلاب است که از اسلام گرفته شده و در بیانات امام (رحمه الله علیه) به طور مبسوط این زیربنا و ایدئولوژی توضیح داده شده است. دشمن و بعضی از مقلدان او در داخل با مطرح کردن ایدئولوژی‌زدایی در پی از بین بردن این زیربنای فکری اصلی انقلاب هستند.^۴

دشمنان انقلاب اسلامی نیز در همین اغتشاشات اخیر مجدداً به این امر اذعان کردند که جمهوری اسلامی ایران دارای سه ایدئولوژی است و در صورت استحاله یا از بین بردن آنها، دیگر کار جمهوری اسلامی تمام است. این سه ایدئولوژی عبارتند از: مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل و حجاب. آنها معتقدند که این سه ایدئولوژی به بخش جدایی ناپذیر از هویت جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده‌اند و تا زمانی که آیت‌الله خامنه‌ای رهبر جمهوری

^۱. طبری، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، ص ۴۴۱

^۲. الویری، گونه‌شناسی رویکردهای آموزه مهدویت در چهارچوب ظرفیت تمدنی، ص ۵۸

^۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۴۰۱/۶/۸

^۴. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۷/۶/۲

اسلامی است، این سه ایدئولوژی باقی خواهند ماند. البته بهتر است بگوئیم این سه ایدئولوژی تا وقتی که سایه ولایت فقیه بر سر این کشور باشد هرگز از بین نخواهد رفت. اما این سه ایدئولوژی نماد و نشانه سه شعار و ارزش اصلی است که روی پرچم انقلاب اسلامی برای همیشه نقش بسته است، مرگ بر آمریکا نماد استکبارستیزی، مرگ بر اسرائیل نماد حمایت از مستضعف و حجاب نماد توجه به حیا و عفت در تحکیم بنیان یک جامعه است.^۱

شاخص های اثرگذار مهدویت و آخرالزمان در ایجاد تداوم جریان مقاومت و استکبارستیزی

شاخص های اثرگذار مهدویت و آخرالزمان در ایجاد تداوم جریان مقاومت و استکبارستیزی عبارتند از:

الف: اندیشه حکومت جهانی و زمینه سازی برای حاکمیت حق

اسلام دینی جهانی و مخاطبش همه انسان ها است، براین اساس، ضمن تایید و پذیرش جامعه جهانی، بر تشکیل آن در قالب امت واحده بر مبنای اندیشه مهدویت تاکید شده است؛ چراکه در اندیشه مهدویت رسیدن جامعه بشری به مرحله تشکیل امت واحده و جایگزینی نظام امامت و نفی دولت های طاغوتی، جزء اصول اصلی به شمار می رود. اندیشه و فلسفه حکومت جهانی از مباحث اساسی مقاومت است که ریشه در قرآن و روایات دارد. در موضوع مقاومت در دوره انتظار به اندیشه و فلسفه حکومت جهانی توجه ویژه می شود. در اندیشه مقاومت هدف پیروز ساختن اسلام بر کفر جهانی و فراهم ساختن پایه های حکومت جهانی موعود است. و این گونه نگاه به مقاومت برگرفته از آموزه های مهدوی است که در پی اصلاح کل جهان و استقرار حکومت واحد جهانی می باشد. نظام فکری شیعه در مکتب اهل بیت (علیهم السلام) براساس اصل اساسی انتظار است. انتظار یعنی آماده باش کامل و تحت فرماندهی امامی که هر لحظه ظهورش متوقع است. برخی دانشمندان، انتظار و کسب آمادگی برای یاری امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، وظیفه منتظر در عصر غیبت می دانند.^۲ زمانی که از امام کاظم (علیه السلام) علت عدم تحقق وعده های فرج که به شیعه داده شده است، پرسیده می شود؛ امام بیان می کنند که همواره از شیعه خواسته شده است که در آمادگی مستمر به سر ببرد و فرج را نزدیک بشمارد تا آتش درونی اش به سردی نگراید. این آمادگی مستمر، بزرگ ترین فرهنگ سازی نوین شیعه برای مبارزه با ظالمان و حاکمان طاغوت است.^۳

آموزه های اهل بیت (علیه السلام)، ظهور را به دغدغه دائمی شیعیان مبدل ساخت. ترغیب به کسب آمادگی های مختلف مانند آمادگی نظامی^۴. از جلوه های آماده سازی شیعه در بستر تاریخ برای نفی حاکمیت طاغوت و

^۱. بیانات مقام معظم رهبری در ارتباط تصویری با مردم آذربایجان شرقی، ۱۳۹۹/۱۱/۲۹

^۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۶: ص ۵۸۲

^۳. کلینی، الکافی، ج ۱: ص ۳۶۹

^۴. همان، ج ۶: ص ۵۳۵

آیه ۲۰۰ سوره آل عمران نیز بر لزوم تعاون و استقامت عمومی دلالت دارد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ». این آیه شریفه چند دستور آمده است که عمل به آنها در سایه فرهنگ جهادی، تعاون، همگرایی، تعاضد و استقامت اسلامی امکان پذیر و نتیجه آن فلاح و رستگاری جامعه است. دستورهای یادشده عبارت‌اند از: ۱- «اصبروا» یعنی استقامت و صبر و ایستادگی در برابر حوادث ۲- «صابروا» از "مصابره" (باب مفاعله) به معنی صبر و استقامت در برابر صبر و استقامت دیگران و به تعبیر دیگر، همکاری در استقامت است.^۱ مصابره و مقاومت یادشده شامل همه عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌شود.^۲ ۳- «رابطوا»، و مصدر آن یعنی رابطه به معنی مراقبت از مرزها آمده است. "رابطه" معنی وسیعی دارد که هرگونه آمادگی برای دفاع از خود و جامعه اسلامی را شامل می‌شود. این مفهوم نیز اجتماعی و دستوری همگانی است که با تعاون امکان تحقق دارد و با استقامت امت اسلام می‌توان به رابطه واقعی رسید.^۳

۱. مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۲۳۴

۲. صادقی تهرانی، اهمیت فرهنگ از منظر آیات و روایات، ج ۶، ص ۱۳۸

۳. ابن عاشور، التحرير و التنوير، ج ۳، ص ۳۱۸

نتیجه گیری

مفهوم استکبارستیزی و مقاومت از کلیدی‌ترین مفاهیم موجود در گفتمان انقلاب اسلامی به شمار می‌آید که همواره در اندیشه‌ی رهبران و در هدایت راهبردهای کلان نظام اسلامی حضوری پررنگ داشته است. لذا فهم دقیق و جامع آن کمک شایانی به درک سایر مفاهیم گفتمان انقلاب و نیز رمزگشایی از علت موضع‌گیری‌های خصمانه‌ی سیاستمداران کشور در برابر امپریالیسم نظام سلطه خواهد کرد.

یکی از محورهای اصلی رسالت انبیای الهی و ائمه‌ی اطهار علیهم السلام مبارزه با مستکبرین بوده است. بر اساس آیات قرآن کریم و روایات و ادعیه‌ای که در موضوع مهدویت به دست ما رسیده است، امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز به عنوان وارث پیامبران و آخرین ذخیره‌ی امامت، استکبارستیزی را به عنوان شاخصه‌ی اصلی حکومت عدل گستر خود قرار می‌دهند. همین ویژگی حکومت ایشان باعث ایجاد انگیزه، امید و تلاش خستگی‌ناپذیر در بین منتظران ظهور شده است. از طرفی ستمگران و مستکبرین از این شاخص حکومت حضرت، همیشه در ترس و وحشت بوده‌اند، تا جایی که از هیچ کاری در جهت ایجاد مانع برای ظهور حضرت حجت فروگذار نکرده‌اند. اما پایان کار آنها در دوران حکومت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) رقم می‌خورد؛ زیرا ایشان با تمام قدرت با استکبار و مستکبرین تا نابودی کامل آنها مبارزه می‌کنند. در واقع می‌توان گفت که استکبارستیزی یک ضرورت جدانشدنی و یک مبارزه همه‌جانبه در حکومت ایشان است و خداوند متعال در این راه، ایشان را با شیوه‌های مختلف یاری خواهد کرد. آگاهی دادن به مردم، حمایت و تقویت مستضعفین، امدادهای غیبی و تسخیرطبیعت از جمله شیوه‌هایی است که در عصر ظهور برای مبارزه با مستکبرین استفاده می‌شود که شبیه روش‌هایی است که پیامبران الهی با مستکبرین عصر خود به کار می‌بردند با این تفاوت که پیروزی حضرت و نابودی مستکبرین در عصر ظهور حتمی است و خبری از مدارا و سازش با آنها نخواهد بود.

منابع

۱. قرآن کریم

۲. نهج البلاغه

۳. ابن طاووس، علی بن موسی، الاقبال، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، ق: دفتر تبلیغات اسلامی. ۱۳۷۶

۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار احیاء. ۱۴۱۶ ق.

۵. ابن بابویه، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی. ۱۴۱۳ ق.

۶. ابن طاووس، علی بن موسی، الاقبال، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، ق: دفتر تبلیغات اسلامی. ۱۳۷۶

۷. اسلامی، علی، اعتماد به نفس، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۱.

۸. ابن عاشور، التحریر و التنویر، بیروت: مؤسسه التاریخ. ۱۴۲۰ ق.

۹. امام خمینی، سیدروح الله، صحیفه نور، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. ۱۳۸۰

۱۰. بستانی، فواد افرام، فرهنگ ابجدی، ج ۲، تهران: انتشارات اسلامی. ۱۳۵۷

۱۱. تهانوی، محمد علی، کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، ج ۲، بیروت، مکتبه لبنان ناشرون، ۱۹۹۶ م.

۱۲. جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه، ولایت فقاقت و عدالت، قم: مرکز نشر اسراء. ۱۳۷۹

۱۳. حسین، جاسم، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ترجمه محمد تقی آتی اللهی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۶ ش

۱۴. خطیب، عبدالکریم، التفسیر القرآنی للقرآن، بی جا: بی نا. بی تا.

۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات الفاظ قرآن؛ محقق/مصحح: صفوان عدنان داودی، بیروت:

دارالقلم و الدارالشامیه، ۱۴۱۲ ق

۱۶. راوندی، قطب الدین؛ سلوه الحزین بالدعوات، قم: مدرسه الإمام المهدی، ۱۳۶۶ ش.

۱۷. رفیق العجم، مصطلحات التصوف الاسلامی، بیروت، مکتبه لبنان ناشرون، ۱۹۹۹ م.

۱۸. زحیلی، وهبه، المنیر، بیروت، دار الفكر المعاصر، ۱۴۱۱ ق.

۱۹. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، مؤسسه لغت نامه و دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ ش.

۲۰. صفار، محمد بن حسن، **بصائر الدرجات**، تحقیق محسن کوچه باغی، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی. ۱۴۰۴ق.
۲۱. صادقی، محمد، اهمیت فرهنگ از منظر آیات و روایات، قم: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، چاپ: اول، ۱۳۹۳
۲۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم: دفتر نشر اسلامی. ۱۴۱۷ق.
۲۳. طبری، ابی جعفر محمد بن جریر، **جامع البیان عن تأویل آی القرآن**، تقدیم: خلیل المیسی، تخریج: صدقی جمیل العطار، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ ق.
۲۴. طریحی، فخرالدین بن محمد؛ **مجمع البحرين**؛ محقق/مصحح: احمدحسینی اشکوری، ج ۶، تهران: مرتضوی. ۱۳۷۵
۲۵. طبرسی، مجمع البیان، (م.۵۴۸ق.)، به کوشش گروهی از علماء، بیروت، علمی، ۱۴۱۵ق.
۲۶. فخرالدین رازی، محمد، **مفاتیح الغیب**، بیروت، دار احیاء التراث العربی. ۱۴۲۰ق.
۲۷. فضل الله، محمد حسین، **من وحی القرآن**، بیروت: دارالملاک، ۱۴۱۲ق.
۲۸. فیومی، احمد بن محمد؛ **المصباح المنیر فی غریب شرح الکبیر**؛ محقق/مصحح: محمود محمد طناحی، ج ۱، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان. ۱۴۱۴ق.
۲۹. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ کتاب العین؛ ج ۶، قم: نشر هجرت. ۱۴۰۹ق.
۳۰. قاسمی، محمد جمال الدین، **محاسن التاویل (معروف به: التفسیر القاسمی)**، تحقیق: محمد باسل عیون السود، بیروت: دار الکتب العلمیه. ۱۴۱۸
۳۱. قمی، علی بن ابراهیم، **تفسیر القمی**، تحقیق: سید طیب موسوی جزایری، قم: دارالکتاب. ۱۳۶۷
۳۲. کفعمی، ابراهیم بن علی، **البلد الامین و الدرع الحصین**، بیروت، علمی، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، تهران: دارالکتب الاسلامیه. ۱۳۶۵
۳۴. لواسانی، سیدمحمد رضا؛ آذربایجانی، مسعود؛ الگوی اعتماد به نفس در اخلاق اسلامی، مجله اسلام و روان شناسی (علمی. پژوهشی)، بهار و تابستان ۱۳۹۱، سال ششم. شماره ۱۰.

۳۵. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۲، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۷ق.
۳۶. مراغی، احمد بن مصطفی، تفسیر المراغی، بیروت: داراحیاء التراث العربی. بی تا.
۳۷. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت ارشاد، ۱۴۱۶ هـ ق
۳۸. مطهری، مرتضی، ولاء و ولایت‌ها، تهران: صدرا. ۱۳۶۶
۳۹. معین، محمد. فرهنگ معین، چاپ سوم، تهران: زرین. ۱۳۸۶
۴۰. محسن، الویری، گونه‌شناسی رویکردهای آموزه مهدویت در چهارچوب ظرفیت تمدنی، مشرق موعود، تابستان ۱۳۹۴ش.
۴۱. مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش.
۴۲. نعمانی، ابن‌ابی‌زینب، محمد بن ابراهیم، الغیبه، تحقیق علی‌اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق، چاپ اول، ۱۳۹۷ق.
۴۳. نراقی، احمد بن محمد مهدی. معراج السعاده، چاپ پنجم، تهران: طوبای محبت. ۱۳۸۹
۴۴. یزدی حائری، علی، إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب عجل الله تعالی فرجه الشریف تحقیق علی عاشور، بیروت، مؤسسه الأعلمی، ۱۴۲۲ق.